

از : آقای مهندس مهدی بازرگان

(استاد دانشگاه تهران)

احتیاج روز

(۲)

روش اسلام ، چه باید کرد ، نتیجه

(بقیه از شماره قبل)

روش اسلام :

اما اسلام و دین خدا چنین نبوده و نیست .

میدانید که اولین اقدام پیغمبر اکرم در تشکیل مدینه و تأسیس دولت جهانی اسلام بمصداق انما المؤمنون اخوة عقد برادری بستن میان مهاجر و انصار بود . خدا و پیغمبر میدانستند که لازمه تشکیل امت اخوت است ، و تا امت درست نشود خروج بر مردم جهان و امر معروف و نهی از منکر یعنی بسط خوبیها و جمع بدیها میسر نخواهد شد و امت اسلام بهترین امتها خواهد گشت .

کتاب خدا در وصف مؤمنین مستحق بهشت میفرماید : و امرهم شوری بینهم و اذا اصابهم البغض هم ینتصرون . یعنی طرز کار و اداره امور مؤمنین از طریق مشورت است و چون ظلمی بر آنها وارد شود بکمک و همکاری یکدیگر قیام می نمایند .

ملاحظه فرمائید اختصاصی ترین و فردی ترین فرضیه دینی را که ارتباط قلبی و راز و نیاز خصوصی مخلوق با خالق است یعنی نماز را با چه تأکید و اصرار دستور داده اند بجماعت انجام دهید :

در ساعات معینی در صفوف منظم بفرمان مکبر واحد پشت سر امام عادل عالم که شناخته شده و منتخب و مصوب خود مردم باشد. همچنین روزه در ایام معدود و ماهه مخصوص بالاتفاق و اشتراک صورت میگیرد و شاید یک علت فضیلت ماه مبارک بوجود و وفور همین اجتماعات دینی از یکطرف و اطعامها و آمد و رفتها و فطریهها و هم در شدن اغنیاء با فقرا از طرف دیگر باشد که مسلمین را بیش از پیش به او به پهلوی هم می نشانند و اختلافات را از بین میبرد. همینطور خدا با آنکه در همه جا و همه وقت هست برای زیارت خانه اوفصل معین و محل واحد مقرر داشته اند، که مسلمین حتی عبادتهای خصوصی خدا را که مربوط و متوجه خودشان میباشد در اشتراک و ارتباط سایرین انجام دهند و بدانند که مسلمان باید تمام مشکلات و منویات و اعمال خود را با هم آهنگی و همکاری سایرین اجرا نماید.

مسجد مسلمین امر روزه باین صورت در آمده است که اولاً بسیار خلوت و متروک میباشد (خصوصاً در بلاد شیعه) و ثانیاً عده ای بدون آشنائی و ارتباط و علاقه به پهلوی هم قرار میگیرند. نمازی بجای میآورند و پراکنده میشوند بدون آنکه دردی از افراد و از اجتماع آنها دوا شود ولی در صدر اسلام مسجد و جماعت مرکز و مبدأ طرح تمام مسائل و اخذ تصمیمات عمومی بود. مشکلات در آنجا بحث و حل و عقد میشد. خلیفه و امام پس از ادای جماعت بر منبر رفته مسائل روز و مایحتاج جامعه را طرح میکرد و مردم روی آنها نظر میدادند. نسبت باظهارات - خطیب عکس العمل ابراز میداشتند. عقد و پیمانها بسته میشد و صلح و جنگها تصویب میشد و گاهی همان صف جماعت بود که تبدیل بصفوف جهاد و دفاع شده قشون از مسجد بمیدان جنگ روانه میگردد. چه بسا جاهلین اسلام از اقصی نقاط و از میدانهای جنگ با صورت های غبار آلود وارد مسجد می شدند و گزارش عملیات را در مسجد با اطلاع مردم میرساندند و سپس به خانه های خودشان میرفتند.

اگر در یونان که مادر و مهد دموکراسی غرب است و اروپائیان افتخار به میراث آن مینمایند و میگویند نقطه اجتماعات و دموکراسی در موقع صرف غذای قربانیها و در ورزشهای دسته جمعی بسته شده، در اسلام ما نقطه اجتماع در مسجد و نماز جماعت منعقد

گردید. یعنی بس از توجه بیروردگار عظیم و تصفیه دلها و روشن شدن عقلا. دمو کراسی اروپائیان از مبداء دنیائی و نیروی بدنی سر چشمه گرفت و دمو کراسی اسلام از مبداء روحانی و نیروی الهی! منتوی بعدها که خلافت و اختیار بدست نااهلان افتاد مسجود و منبر و جماعت از سادگی و هدف عالی اصلی بر گردانده شده بتقلید بت پرستان سعی در تزیین و تظاهر مساجد و وسیله تملق و تمکین از ارباب زرو زور شد.

ولی در ورای این پیرایه ها حقیقت اسلام و آیات قرآن و اوامر پیغمبر خدا زنده و گویا است. هنوز فریاد پیشوای بزرگ و ندای من اصبح فی لیم یهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم، در گوش ما طنین میاندازد و هر صبح بما میگوید اگر در روز گذشته کوششی در کار مسلمین نکرده ای مسلمان نیستی. بنابراین امروز توبه کن و سعی نما تا در امور عمومی اجتماع سهمی بکاربری!

این از جهت و وظیفه فرد در قبال سایرین بود. از جهت اجتماع نیز پیشوای بر حق ماعلی علیه السلام بگفته رسول اکرم برای ملت و امتی که در میان آنها حق ضعیف بدون چون و چرا از قوی گرفته نشود و اقویا صاحب اختیار باشند ارزش و تقدسی قابل نیست و میفرماید.

لن تقدس امة لا یؤخذ للضعیف فیها حق من القوی غیر متمتع

اجزاء نامربوط

چرا چنین شده و ما اینطور هستیم؟

آیا در بین ما، مسلمان مقدس نیست که هست. قرآن خوانده نمیشود؟ نماز و روزه و خمس و زکوة عمل نمیشود؟ همه اینها بمیزان نسبتاً قابل توجهی و حتی در بسیاری افراد با خلوص نیت و قصد قربت انجام میشود...

جزء جزء فرائض کم و بیش رعایت میگردد. مفرد اتمان درست است. ولی بقول طلبه ها تر کیمان خیلی خراب است!

ما از عهدۀ ترکیب و ارتباط و استفاده از معتقدات و احکام دین بر نیامده ایم یعنی شکر نعمت هدایت را بجانمیآوریم.

وضع دینداری ماقابل تشبیه بیک تل مصالحی است که رویهم ریخته شده جزء جزء آنها خوب و مرغوب باشد ولی ارتباط و التیام مابین آنها وجود نداشته طبق نقشه و نظم صحیحی پهلووی هم قرار داده نشده و یک خانه یا ساختمان مرکب مرتبی را تشکیل نداده باشند. ماهم اعمالی که از نظر دینی انجام میدهم ممکن است جزء جزء آنها هر یک بجای خود بادقت و صحت انجام شود ولی مثل کسی که نمیداند برای چه منظور آجر میخورد و کچ را چگونه باید باسنگ و آجر ربطداد استفاده ای از ترکیب و ارتباط این مصالح نمیکنیم و خلاصه نتیجه ای که منظور شارع است نمیگیریم.

اصولا در فکر و روح ایرانی توجه به هدف و تعقیب مقصد خیلی کم است. افکار ما مثل افرادمان متفرق و بدون ارتباط و انسجام است و یک منظور و محصول را دنبال نمیکنیم. ببینید فلان آقا شراب میخورد و بعد دهانش را تطهیر کرده وضو میگیرد و نماز میخواند، یا شمائل حضرت امیر را درد کان خود میآویزد و طرف دیگر عکس فلان آرتیست عربان یا عکس عمال ظلم و ستم را که حضرت امیر در تمام عمر با آنها مبارزه کرده است میگذارد. شب تولد حضرت حجت را جشن میگیرد و در جشن رادیو و مطرب راه میاندازد!

مقدسها و باتقواها ایمان نیز اعمال و اذکار مذهبی را بدون توجه بمقصد و منظور آنها انجام میدهند: روزه میگیریم بدون آنکه بدانیم برای چیست، نماز جماعت میرویم ولی از اجتماع مساجد ما کوچکترین خیر و فایده ای حتی تمیز کردن مسجد و یا تهیه نان و لباس برای بینواها و سایر امور مفید اجتماعی حاصل نمیشود.

ولی اگر در قرآن دقت کنیم می بینیم عنایت بفروائد و توجه و تذکر منظور از احکام خیلی زیاد است. شارع مقدس نظر داشته است که مؤمنین بدانند بچه منظور آن کار را انجام میدهند تا با توجه بمقصد بهتر و مؤثرتر عمل نمایند. (از قبیل آیه شریفه دستور وضو که بجمله و لکن یرید لیطهر کم و لیتم نعمته علیکم لعلکم تشکرون ختم میشود و یا آیات خود روزه که به لعلکم تقون و لعلهم یرشدون منتهی میشود یا لعلهم یرشدون و تذکر ببرداری و نجات از پرنگاه درد دنبال دستور و اعتصموا بحبل الله جمیعاً

وامثال فراوان دیگر)

نتیجه این پراکندگی وجدانی افراد و تشتت و پراکندگی افکار و اعمالمان همان ضعف و بیچارگی و توسری خوری است. آنوقت میبینید که امام دردعای بسیار عالی و معتبر افتتاح که مخصوص شبهای ماه رمضان است دست روی بزرگترین نقطه ضعف و خرابی کار ما گذاشته بما میآموزد که بگوئیم اللهم المم به شعنا و اشعب به صدعنا و ارتق به فتننا و کثر به قلتنا (خدایا پراکندگی ما را بدست او جمع آوری کن، شکاف و بریدگی ما را به اجتماع و گروه مبدل بساز، گشودگی وجدانی ما را بند و پیوند کن قلت عدد ما را مبدل بکثرت نما...)

چه باید کرد

اینها دردها بود و بیان موجبات بدبختیها و بیحاصلی ما.

البته نباید بدرد دل متوقف شد. اگر شخص متوجه خطای خود و واقف بنظر خدا و چاره گناه شود و توبه و جبران نکند جرمش چندمقابل خواهد بود.

وظیفه ما آیا دست روی دست گذاردن و انتظار فرج کشیدن و مثل بهودیها و اگذار کردن و وظائف بخدا و برگزیدگان خدا است یا خودمان باید دست بکار شویم؟ اصلاح کار را از کجا شروع کنیم؟ اجزاء احکام و فرائض را؟ این قسمت از دولتی سر فقها و سختگیریهائی که در ظواهر و صورت احکام میشود بحمدالله اشباع شده است، آنچه ضروری و مفید میباشد ترکیب و تجمع است. کاری باید بکنیم که افراد و افکار و اعمالمان اتحاد و ارتباط یافته در جهت واحد مثبت صحیحی پیش برود و تمام آنها در خدمت حق و خدا قرار گیرد. حتی تکون اعمالی و اورادی کلها و ردآ و احدآ و حالی فی خدمتک سرمدآ. روزی که امت اسلام و ملت ایران نتوانست مثل صف جماعت به آهنگ واحد بطرف یک قبله و یک مقصد عالی پشت سر یک پیشوا و برنامه مشترک همگی بایکدیگر همکاری نموده متشکل و متحد شوند روز بازگشت عظمت اسلام و نجات ایران خواهد بود.

البته چنین عمل ظاهراً ساده‌ای بسیار مشکل است و محتاج بمقدمات بسیار

و تدارکات مفصل و مخصوصاً تربیت و تمرین طولانی می باشد برای کسانی که دنیا را متمرکز و منحصر بشخص خود می دانند و وجود خود را محدود بعمر کوتاه و اشتغالات پست دنیایمی بینند چنین برنامه ای غیر عملی و غیر عاقلانه و بی نتیجه است ولی برای خداپرستانی که جهان خلقت و بشریت را چون زنجیر متصل ممتد بی انتهایی می نگرند که مبدأ و مرجع آن خدا است و هیچ عمل را ولو بوزن يك ذره باشد هدر رفته نمیگیرند و در راه تقرب بخالق تدارك يك دنیای ابدی با سعادت می رامیکنند بتأسی ذات پروردگار و به تبعیت از پیشوایان بزرگ صبرشان زیاده و همتشان بلند و امید و یقینشان محکم می باشد ، قدم بجای می گذارند و باتوسل و توکل بحق اقدام مینمایند .

مقدمه کار (که بمبدأ بنیان و وسیله کار نیز خواهد بود) همانطور که گفته شد تربیت و تمرین همکاری است که حتی معتقدین و مقدسین مایمنی کسانی که دعوی وحدت هدف دارند نیز فاقد آن میباشد :

تعلیم و تربیت ، امروز دیگر با گفتن و بحث و استدلال انجام نمیشود با عمل و تمرین باید اجرا گردد . تربیت اجتماعی و تمرین همکاری نیز در اثر مجتمع شدن و همکاری کردن حاصل میشود بنابراین نمیتوانیم درهم جمع شویم و کارهای انفرادی را بصورت اجتماعی و با مشارکت و همکاری یکدیگر انجام دهیم . حتی غذا خوردن و ورزش و بازی کردن یا گردش رفتن و جشن و عزا گرفتن وقتی بالا اجتماع انجام شود وسیله عملی مؤثری خواهد بود که آداب همزیستی و همکاری را بمامیآموزد . رفته رفته سلیقه ها و نظریات شخصی و بدبینی ها را فراموش کرده یاد بگیریم چگونه میشود و چگونه باید بحرف و نظر و رفع دیگران توجه کرد : رسم تقسیم وظائف و ترتیب و تکمیل عملیات را فراگیریم . باهمه انس و آمیزش پیدا کنیم همه مشارکت و مشورت را بچشمیم . . . خلاصه اجتماعی شویم .

البته تمرین و مشق این کار در امور ساده که منافع حاد و شدید دربر نداشته باشد آسانتر است ولی چه بهتر که در امور مالی و انتفاعی هم با ملایمت و احتیاط وارد شویم شرکتهای تعاونی تشکیل دهیم ، برای امور خیریه و خدمات دینی صندوقهای عمومی با

حساب و کتاب و مسئولی‌های معین (و حتی موظف) ترتیب بدھیم . باین ترتیب علاوه بر آن که همگی تربیت میشوند افراد زبده و مستعد برای خدمات اجتماعی از زیر پرده استتار بیرون آمده ذخائری برای اقدامات بعدی شناخته و فراهم میگردد . پس از آن کارهای دامنه دار تر و وسیعتر و مؤثرتر مانند تأسیس مدرسه و درمانگاه و مسجد و دانشگاه و سایر بنگاههای مورد احتیاج عمومی را که ضمناً وسیله اشاعه حق و حقیقت هم خواهد بود میتوانیم در پیش بگیریم و پیش برویم ،

امروز دیگر ما اقلیتیم . اقلیت ها متحد و صمیمی و مرتبط میشوند . وقت آن رسیده است که مجتمع و متحد دست بکار شویم و بر نامه های تشکیل اجتماع مسلمین را از سر بگیریم .

اگر سابقاً مکتب های درسی اختصاصی نظری تأسیس میکردند و افراد فقیه و فیلسوف و ادیب بیرون میدادند امروز آنچه فریضه دینی و وظیفه ملی است ایجاد مکتب های تربیتی اجتماعی عملی است مکتب هایی که در سایه نماز و هدایت قرآن خود ما و سایرین را عملاً برای زندگی و خدمات اجتماعی تربیت نماید و وسیله اداره امور و قوت و ترقی ما گردد .

در این مملکت بسیار بودند و هستند کسانی که برای نجات ملت و ترقی مملکت درد میکشند و چاره میجویند غالب آنها منشأ بد بختیها و مرکز مفاسد را در اقلیت های بنام هیئت حاکمه میشناسند و تنها راه اصلاح را در تعویض مقامات و تصرف قدرت سراغ میدهند شاید یکی از علل و عوامل خرابی و یکی از شرایط لازم برای اصلاح همین ها باشند . ولی اینها بهیچوجه شرایط کافی نیست . تا اکثریت مردم شخصاً سالم و صالح نباشند و مجتمعاً نتوانند همکاری نمایند فساد عقیده و عمل افراد و اختلافات و مخالفت های اجتماع باعث خواهد شد که نه تنها اصلاح و احیای کشور صورت نگیرد بلکه اگر اتفاقاً هم قدرت بدست صالحین و با اختیار ملت افتاد بزودی (و بطوریکه در جریانهای گذشته شاهد آن بودیم) موجبات تلاشی و تباه از داخله مردم و رهبران بچو شد و دستگاه و از گون گردد .

بنابر این فکر اینکه قدرت و حکومت را باید از مقامات بالا و از خارج تصرف نمود

و پس از آن مطمئن و امیدوار نشست فکر کاملاً ساده لوحانه‌ای بوده چنین تصرف و تسلط دیری نپاییده جای خود را به تشمت و تصادم و تلاشی خواهد داد. ولی اگر افراد ملت (یا حد اقل تعداد کثیری از ملت) مردمان نابت و صالح باشند و استعداد اجتماع و اتحاد را داشته بتوانند با صمیمیت و اعتماد تشریک مساعی احتیاجات عمومی را اداره نمایند اولاً بر قدرت و ظرفیت ملی افزوده میشود و ثانیاً استقلال و استغنائی نسبی در برابر هیئت حاکمه و اعمال خارجی پیدا می‌کنند و ثالثاً بدون انقلاب و تصادم و عکس العمل‌های حاد قدرت و حکومت را از داخل و از مراحل پائین تصرف مینمایند.

بطوریکه تدریجاً اختیارات بدست اجتماعات ملی در آمده عملاً حکومت مردم بر مردم و عدالت عمومی تامین میشود. چنین ملتی استعداد و استحقاق دموکراسی و عزت و استقلال را خواهد داشت. آنرا بچنگ می‌آورد و حفظ میکند.

نتیجه

پس بطور خلاصه چهار نظر دینی مسلمانی و چهار نظر ملی احتیاج روز و وظیفه مادر راه سعادت دنیا و آخرت اقدام جدی عملی در اصلاح و در اجتماع نفوس است ماکه در ذکر قنوت نماز می‌گوئیم رب زدنی علماً و عملاً و الحقنی بالصالحین بیائیم همین جمله را شعار خود قرار داده از روی صدق و صفا در پی افزایش دانائی خود بر آمده مرد عمل بشویم و بجمع نیکان پیوندیم. اجتماعاتی تشکیل دهیم که موجب هدایت و تقویت ایمان و مرکز کار خیر باشد.

هر قدر در برابر مشکلات عظیم روزگار دست تنهایی مایوس کننده و وحشت آور است اجتماع و اتحاد قوت قلب و امید میدهد و پس از آنکه جمع شدیم هر قدر بهت و حرف، اختلاف و تفرقه ایجاد مینماید کار و عمل صمیمیت و احترام می‌آورد هر قدر مجادله یا معامله سردی و ضعف می‌آورد، اقدامات مثبت مفید دلگرمی و قوت میزاید بنابراین بکارهای مثبت منظم مفید بپردازیم که با تائید خدا اجتماعمان در اثر حقیقت و کار و نظم برقرار و نیز و مند و فزاینده خواهد گشت.

اسلام با اشاعه و تاکید بنماز جماعت و تکثیر و تسهیل اجتماعات دیگر مانند عیاد

و عذاریه‌ها و زیارتها و حج و رمضان و غیره سرمایه های بزرگ آماده کرده و وسائل قوی برای اجتماع و اصلاح و احیاء در اختیارمان گذاشته است سرمایه ها و وسائلی که قدرت های نظامی و سیاسی توفیق جلوگیری از آنها را نداشته و ندارند و از راه تعریف در صدد تضعیف آن بر آمده اند . شکر چنین نعمتهای مخصوص را بجا آورده آنها را از صورت سیاهی لشکر و تظاهر و تشریفات بی حاصل خارج سازیم مساجد و محافل و شعائر دینی خود را همانطور که در ابتدا و قصد خدا بوده است مبدع های حرکت و مراکز خیر و برکت و قدرت نمائیم هر چه میتوانیم بیشتر دور هم جمع شویم . از کارهای ساده و کوچک شروع نمائیم و بزرگتر و مهمتر برسیم .

اگر بطور دسته جمعی بدور محور و ریسمان خدائی حلقه زده با استفاده از این نعمات الهی برابری و برادری از برتگاه سوزانی که ملت بلب آن رسیده است دوری جستیم و برای اجرای حق و خیر و از بین بردن فساد قیام نمودیم بحکم آیات محکم ذیل پیروز خواهیم شد . و اگر باز جدائی و اختلاف را ادامه دادیم عذاب عظیم را که گرفتارش شده ایم عظیمتر و ابدی خواهیم ساخت :

واعتصموا بحبل الله جمیعا ولا تفرقوا و اذکروا نعمت الله علیکم اذ کنتم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخوانا و کنتم علی شفا حفرة من النار فانقذکم منها کذلک یبین الله لکم آیاته لعلکم تهتدون . ولتکن منکم امة یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئک هم المقفلون . ولانکونوا کالذین تفرقوا و اختلفوا من بعد ما جائهم البینات و اولئک لهم عذاب عظیم .

(پایان)